



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



خاستگاه عزت حسینی

علی رضایی بیرجندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاستگاه عزت حسینی (ع)

نویسنده:

علی رضائی بیرجندی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خاستگاه عزت حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۹	عزت در قرآن
۱۰	حقیقت عزت
۱۷	منشأ عزت
۲۱	عوامل عزت آفرین
۲۱	اشاره
۲۲	ایمان (کلمه طیب)
۲۳	عمل صالح
۲۴	موانع عزت
۲۶	آسیب شناسی عزت
۲۸	درباره مرکز

عنوان : خاستگاه عزت حسینی

پدیدآورندگان : رضائی بیرجندی، علی، ۱۳۳۵- (پدیدآور)

ناشر : علی رضائی بیرجندی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

عزت نفس

امام حسین (ع)

مقدمه

بی تردید اصلی ترین خاستگاه پیدایش قیام عزت آفرین عاشورا قرآن و اندیشه های عزت آفرین آن در روح و جان امام حسین (ع) و یاران فداکارش بوده است. امام حسین (ع) علاوه بر دارا بودن منصب عزت آفرین امامت به فرموده پیامبر (ص) که حسین از من است و من از حسین، خوب می دانست پیامبر (ص) به عنوان مظهر رحمت گسترده الهی علت محدثه نعمت عظیم قرآن و مبین آن بوده است و آن حضرت به عنوان مظهر رحمت و اسعه الهی رسالت حفظ و نگه داری آن را بر عهده وی گذارد و او که عاشق قرآن است. و باید به عنوان علت مبقیه آن عمل نماید؛ به همین دلیل «سید الالباء» (آقای نه گویان عالم به ستمگران) ابتدا با الهام از پیام الهی در قرآن که (فاصبر ان وعد الله ولا یستخفنک الذین لا یوقنون)؛ آنان که به خدا و قیامت یقین ندارند، هرگز نباید تو را خفیف و سبک سازند (و عزت تو را پایمال کنند)، به نفی طاغوت پرداخت و به جان گرامی خویش قسم یاد کرد که امام نیست مگر کسی که به قرآن عمل نماید. از سوی دیگر، هنگامی که می بیند مثلث شوم خط «مسلط نفاق و خواص» دنیا طلب و عوام نادان زمینه های ویرانی کاخ بلند و با عظمت عزت دین خدا را فراهم آورده اند و با دین سازی و درست کردن فرقه هایی بی نظیر مرجئه، جبریه و... و نیز طرح اندیشه جدایی دین از سیاست و به

تعبیر امام صادق (ع) آزادی ایمان و ممنوعیت شرک و با کشتن و تبعید حق طلبان سعی دارند، قرآن که ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان است به فراموشی سپرده شود، همانند کوهی استوار در برابر آنان می ایستد و تنها راه نجات جامعه و رسیدن به رشد و فلاح را بازگشت به قرآن حاکمیت یافتن آن می شمارد و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) فرا می خواند. امام (ع) در نامه ای به مردم بصره می نویسد: «انا ادعوكم الى كتاب الله نبيّه فان السنّه قد اميتت والبدعه قد احيت فان تسمعوا قولی اهدكم الى سبيل الرشاد» و زمانی که گوش شنوایی برای سخنان خود نمی یابد و مردم را بنده دنیا که دین تنها لقلقه ای در دهانشان است و مردگانی متحرک که اراده و تصمیم در آنان مرده است می یابد، خود به همراه یاران اندکشان انقلاب خونین، اما عزت آفرینش را آغاز می نماید. امام (ع) در ترسیم موقعیت خویش می فرماید: الا ان الدّعی وابن الدّعی قد ركزبين الثنتين السله والذله و هيهات منا الذله يا بى الله ذالك لنا ورسوله والمؤمنون و حدود طابت و حجور طهرت و انوف حميه و نفوس ابیه لا تؤثر طاعه اللثام على مصارع الكرام؛ آگاه باشید این نابکار فرزند نابکار، مرا میان دو چیز مخیر ساخته است میان شمشیر و بیعت ذلیلانه ما و ذلت؟! هرگز! زیر بار ذلت رفتن برای ما را نه خدا، نه رسول او و نه دامن های پاکی که ما را پرورانده است و نه بزرگان باغیرت و نفس های با شرافت نمی پسندند که اطاعت دون صفتان را بر شهادت کریمانه ترجیح و برتری دهیم». و نیز می فرماید: مرگ در راه عزت، نیست مگر زندگی جاویدان و زندگی

با ذلت، جز مرگ ابدی چیزی نیست. آری حسین (ع) عارف به خداست فرزند عشق و ایثار و جهاد و شهادت است. آن حضرت در مورد جایگاه و قدر و منزلت دنیا در دیدگاهش می فرماید: «ان جمیع ما طلعت علیه الشمس فی مشارق الارض و مغاربها و بحرهای بڑها و سهلها و جبلها عند ولی من اولیاء الله و اهل المعرفه کفیئ الضلال، تمام آنچه خورشید بر آن می تابد تمام دنیا و آنچه در آن است دریای آن و خشکی آن و کوه و دشت آن، در نزد کسی که با خدای خود آشنایی دارد و عظمت او را درک کرده است، مثل یک سایه است.» امام (ع) شب عاشورا از یارانش خواست از تاریکی شب استفاده کنند از صحنه خارج شوند. یاران هر کدام به نحوی ابراز وفاداری و مقاومت تا شهادت کردند. «مسلم ابن عوسجه» پیرمردی بزرگوار از طایفه بنی اسد گفت: به خدا سوگند! اگر هفتاد بار کشته شوم و سوزانده شوم و خاکسترم را بر باد دهند، هرگز تو را رها نخواهم کرد تا چه رسد به این که اکنون یک بار کشته شدن سپس کرامتی ابدی که زائل شدنی نیست. آری، بر این اندیشه و عمل، ایثار و هدایت، عزت و افتخار نامی جز تفسیر عملی قرآن و ارائه الگویی کامل از انسان قرآنی که در هدایت انسان ها و اتمام حجت بر آنان شریک قرآن است، نمی توان نهاد (انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا وجاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون)؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود

راه نداده و با اموال و جان های خود در راه خدا به جهاد پرداخته اند، چنین کسانی راستگو هستند. به همین مناسبت این جانب کوشیدم به تفسیر موضوعی عزت در قرآن به عنوان اساسی ترین خاستگاه قیام امام حسین (ع) به مناسبت سال عزت و افتخار حسینی که از سوی رهبر فرزانه انقلاب اعلام شده است بپردازم و از درگاه عزیز مقتدر می خواهم به ما توفیق خدمت گذاری در سایه حکومت عزیز خودش امام زمان (عج) عنایت فرماید: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزيبها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله».

عزت در قرآن

عزت واژه ای عربی است و به معنای قدرت و پیروزی نفوذ ناپذیری، و شیئی کمیاب آمده است. و در اصطلاح به آن حالتی که موجود را مقاوم، قوی و شکست ناپذیر می سازد و مانع مغلوب شدن وی می شود و نیز حقیقتی مستقر در قلب انسان که به وسیله او بر اسباب ذلت و خواری می توان در برابر غیر خدا چیره شد، اطلاق شده است. در برابر واژه ذلت که به معنای خواری و سبکی و کوچکی است که پس از محکمی و سفتی تحمیل شود، ماده عزت به صورت های گوناگون در قرآن به کار برده شده و صلابت و نفوذناپذیری به عنوان یک اصل در معنای آن لحاظ شده است. این صلابت و نفوذناپذیری اگر در برابر حق باشد، مذموم و اگر در مقابل باطل باشد، ممدوح است. واژه عزیز به معنای موجود غالبی که هرگز مغلوب واقع نمی شود و عزت منحصرأ و بالاصاله از آن اوست، تنها خداست که همه اسمای حسنا و صفات کمال از آن اوست. به همین جهت واژه عزیز که ۸۸ مرتبه در قرآن آمده، یک مورد

در سوره حشر با ۱۳ صفت کمالی و در بقیه موارد با صفات مقتدر، قوی، ذوالانتقام، علیم، حکیم، رحیم، غفور، غفار، وهاب به کار برده شده است. نکته قابل توجه این است که در ۴۷ مورد با واژه حکیم کنار یکدیگر قرار گرفته اند، که حکایت از ارتباط این دو صفت دارند و می رساند عزیز و نفوذناپذیر کسی است که اعمالش بر حکمت استوار باشد. واژه های مرتبط با عزت در قرآن از بعد اثباتی عبارتند از: کرامت، رفعت و از بعد منفی می توان از واژه های ذلت، خزی، خذلان، خفت، مهین فضاحت و ضریع نام برد.

حقیقت عزت

حقیقت عزت چیست؟ و چگونه پدید می آید؟ آیا عزت امری بیرونی و خارج از وجود انسان است یا چیزی در داخل وجود انسان که باید آن را در درون جان خودمان پدید آوریم. برخی تصور می کنند اگر مال و ثروت و ریاست و لباس فاخر و ایل و تبار و جمعیت زیاد داشته باشند، عزیز و اگر فاقد این امور باشند در خود احساس ضعف و کمبود و ذلت می کنند. اما با اندک تأمل می یابیم که هیچ کدام از امور فوق عزت آفرین نیستند، زیرا عزت ظاهری و خیالی از بین می رود. بنابراین حقیقت عزت ناشی از عزت نفس است و عزت نفس این است که با تکیه زدن بر قدرت مطلق عالم هستی؛ یعنی خدای سبحان که غنی بالذات است و همه به او نیازمندند و او به هیچ موجودی نیاز ندارد و هیچ چیز از هیچ جهت بر او قهر و غلبه ندارد، انسان به عزت حقیقی دست پیدا می کند. زیرا او بر همه چیز غلبه دارد، پس انسان نباید به هیچ قیمتی و

در هیچ حالتی حاضر شود زیر بار منت کسی برود و سر تسلیم فرود آورد و به کسی اظهار نیاز و احتیاج کند. چون اظهار احتیاج حاکی از ذلت و درماندگی است. شکی نیست که رفع نیازهای طبیعی بدون پذیرش منت به وسیله دیگران و کمک متقابل به دیگران در برطرف شدن احتیاج های آنان با داشتن روحیه استغنا و عزت مدار هیچ گونه منافاتی ندارد و از موضوع بحث خارج هستند. اما احتیاج به دیگران که ناشی از ضعف و ناتوانی باشد، ذلت آور و خوارکننده است. علی (ع) در این خصوص می فرماید: «احتج الی من شئت تکن اسیره واستغن عن من شئت تکن نظیره و افضل الی من شئت تکن امیره»؛ نیازمندی پیدا کن به هر کس که می خواهد باشد، آن گاه تو اسیر و ذلیل او هستی، بی نیاز باش از هر کس که می خواهی آن گاه تو همانند او هستی و نیکویی و احسان کن به هر کس که می خواهی، آن گاه امیر و فرمانروای او باش. از این سخنان گهربار دو مطلب بسیار مهم که در واقع دو مرحله مترتب از عزت اند استفاده می شود: ۱ مرتبه ابتدایی عزت آن است که انسان دست نیاز به سوی کسی جز خدا دراز نکند و حاضر نشود خود را تحت هیچ شرایطی بفروشد و این حقیقت متعالی و عزت آفرین و ذلت سوز را به خوبی یافته باشد که غیر خدا همه محتاجند و به فرموده امام سجاد (ع): «ورأیت ان طلب المحتاج من المحتاج سفه من رأیه و ضله من علقه؛ و بر آنم که در خواست نیازمندی از نیازمند دیگر سفاهت رأی و گمراهی خرد است». آن گاه امام (ع) می افزاید: «چه بسا ای خداوند من

دیده ام کسانی که عزت از غیر تو طلبیده اند و به ذلت افتاده اند و جز از خزانه فضل تو توانگری جسته اند و بی نوا شده اند و آهنگ بلندی کرده اند و به پستی گراییده اند. پس آن دوراندیش که سر اعتبار نگریسته و چنین کسان را دیده، در دوراندیشی خویش به راه خطا نرفته و اختیارش به راه صواب رهنمون گشته است.» سپس آن حضرت در ادامه می فرماید: «خدایا تویی ای سرور من که تنها و تنها پیشگاه توست که باید دست طلب به سوی آن دراز کرد، نه هر کس دیگر که از او چیزی می طلبند تنها و تنها درگاه توست نه هر کس دیگر که از او حاجت می خواهند.» ۲ مرتبه بالاتر و برتر عزت آن است که وجودش برای دیگران منشأ خیر و برکت باشد. بنابراین حقیقت عزت؛ یعنی احساس قدرت و بی نیازی از غیر خدا و ایستادگی در برابر موانع تکامل و نیز تلاش در جهت خدمت به بندگان خدا و رشد دادن خود و جامعه انسانی با تکیه و اعتماد بر قدرت لایزال الهی در همه امور که لازمه آن، داشتن شخصیتی آگاه، حکیم، محسن، بااراده، ثابت و استوار و غیر قابل نفوذ می باشد که از راه تطمیع یا تهدید نمی توان در او نفوذ کرد و در هر لحظه سیر تکاملی او به سوی حضرت حق ادامه دارد و با احسان مادی و معنوی خود حتی با ایثار جان خود تلاش می کند دیگران را هم به سوی کمال هدایت نماید. در این حالت است که روح بزرگ شده و دنیا را آزمایشگاهی بزرگ و کوره ای عظیم جهت ذوب شدن و گرفته شدن ناخالصی ها می داند. از این رو می کوشد،

اولاً: خودش سترون و عقیم نماند و دنیا را به مزرعه ای شکوفا و پرمحصول برای آخرت تبدیل نماید و از مادیت بستری مناسب برای معنویت بسازد و مراقب است که بر اثر تکرار خور و خواب با خودمختاری، کنشی **Functional** زیستن را از به هر خوردن و خوابیدن نپندارد و ثانیاً: دیگران را هم از گمراهی و سقوط در این درّه هولناک نجات دهد و به طور یقین روح بزرگی که دارای چنین اندیشه و ایمانی باشد برای بدن زحماتی فراهم می کند اما در عین حال سعادت و رستگاری دنیا و آخرت را تأمین می نماید. و این اختیار در راستای اهداف خلقت است. امام حسین (ع) در تبیین اهداف خلقت فرمود: خداوند عزوجل خلق نکرده است بندگانش را مگر برای این که او را بشناسند و زمانی که او را شناختند، بپرستند و با پرستش خدا از پرستش غیر او بی نیاز گردند و این به خاطر آن است که باغبان حکیم هستی میوه های شیرین و لب گزانی می خواهد که بی نیازی خود را حتی از درخت هم اعلان نمایند و با شیرینی و بوی عطرشان، جهانی رامست معشوق حقیقی عالم سازند و آنان را به حرکت وا دارند و این جاست که خود لایق محضر او گردیده اند. حال اگر این سؤال مطرح شود، عزت چگونه پدید می آید؟ پاسخ این است از راه بزرگ شد با ایمان به خدای یگانه و متخلق شدن به اخلاق الهی، معنای مؤمن بودن این است که من هیچ مؤثری در وجود نمی شناسم جز خدا و سر تعظیم و تذلل فرود نمی آورم جز پیش او و هیچ چیزی نمی خواهم جز از او. اگر همه عالم را به من

بدهند باز پیش خدا کوچکم و پیش هیچ کس کوچکی نمی کنم. این همان معنای عبادت است که خارج شدن از ذلت عبادت مخلوق و ورود به عزت عبادت خالق است. زیرا روشن است که ذلت در اثر اندیشه شرک آلود تأثیرگذاری غیر خدا در عرض خدا و فروتنی بی جهت نزد مؤثرهای خیالی پیدا می شود، وقتی که مخلوق را مستقلاً مؤثر بدانم، به طور قهری خود را پیش او کوچک می شمارم. وقتی رفع نیازمندی هایم را به دست مخلوق بدانم احساس کوچکی نسبت به آن می کنم. ولی انسان مؤمن و موحد فقط خدا را مؤثر می داند و تنها در نزد او احساس تذلل می کند و نزد او تنها سر تعظیم فرود می آورد و حاضر نیست به هیچ قیمتی برای موجود دیگر سر تعظیم فرود آورد و خود را بفروشد هر چه این روحیه در انسان قوی تر باشد، قدرت مقاومت در برابر ناملازمات و تصمیم بر ایثار و فداکاری بیشتر می شود، در نتیجه عزت و شرف او بیشتر است. اکنون می توان فهمید که چرا خدا در قرآن می فرماید: (ولله العزّه و لرسوله و للمؤمنین ولكن المنافقین لا يعلمون)؛ عزت مال خدا و پیامبر خدا و مؤمنین است، اما منافقان نمی فهمند. نکته قابل توجه و دقت این است که عزت مال خدا و رسول است، زیرا خدا مالک هستی است و پیامبر مظهر صفات خداست، اما این که عزت از آن مؤمنین است به چه معناست؟ با توجه به مطالبی که گذشت، روشن شد منظور مؤمنی است که به وظایف ایمانی خود عمل نماید، یعنی همه چیز را از خدا بداند روزیش را و آنچه مایه تکامل اوست را در آسمان سراغ بگیرد، ضمن این که

اراده استکبار در زمین ندارد پا بر سر هستی بگذارد و عالم را سکوی پرش به سوی او بداند چنین انسانی عزیز است. نکته دیگری که خیلی اهمیت دارد و در اعمال انسان تأثیر مستقیم دارد، توجه به این نکته است که سهم ما در تحصیل و عزت چه اندازه است و خدا چگونه و در چه شرایطی عزت می دهد. روشن است که با توجه به اراده و اختیاری که خدا به انسان ها داده خود انسان (البته با عنایت الهی) بیشترین و اساسی ترین سهم را دارد و معنای این که خدا عزت می دهد نه این که عزت را خدا از آسمان فرو می فرستد، بلکه خدا انسان را در سایه معرفت و شناخت توحیدی از همه خلق بی نیاز می سازد و طمع او را از غیر قطع می کند و به او می فهماند که چشم طمع به غیر بردگی دائمی، نیازمندی حاضر و طمع کار اسیر ذلت ها است. بنابراین می توان گفت: انسان عزت را به عنایت الهی، خود به خود هدیه می دهد و خودش هم می تواند آن را از خویش سلب نماید و کسی نمی تواند کسی را عزیز و یا خوار و ذلیل نماید. از همین روی، عزیزترین انسان ها امام حسین (ع) در روز عاشورا در هنگامه قدرت بلامنازع دشمن و اقتدار بی همتای آنان فرمود: مرا مخیر کرده اند بین عزت و ذلت و ذلت از مابه دور است؛ یعنی عزت و ذلت من در اختیار خودم می باشد. و حاضرم کشته شوم، بدنم پاره پاره شود، خانواده ام به اسارت بروند و... اما خود را به یزید نفروشم و عزت من باقی بماند؛ این نهایت درجه عزت است. در همان حال امام حسین (ع) در

اوج عزت و معاندان و مخالفان او در حضيض ذلت قرار داشتند، زیرا دشمن نتوانسته بود ذره ای در قلعه مستحکم روح امام (ع) رخنه ایجاد نمایند. امام حسین (ع) هنگامی که در ابتدای ورود به کربلا با تهدید لشکر دشمن مواجه شد، با جمله زیبا و عزت آفرین خود «افبالموت تخوفنی... مرحباً بالقتل فی سبیل الله؛ آیا مرا از مرگ می ترسانی؟؟ چه خوش است شهادت در راه خدا» به همه بشریت درس شیوه عزیز بودن و عزت و سربلندی داشتن، آموخت. امام (ع) با انتقاد از وضع موجود به تشریح ابعاد فاجعه و تبیین خطاهای صورت گرفته شده پرداخت و با اعلام رسالت خویش و لزوم موضع گیری در مقابل وضع موجود به ارائه تصویری زیبا و دلنشین از جامعه آرمانی خویش پرداخت؛ جامعه ای که در آن توحید و عدالت حاکم باشد و مظلومان رهایی یابند. امام خطاب به فرزندان فرمود: «یا فرزندان ان هؤلاء قوم الزموا طاعة الشيطان و ترکوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد فی الارض و ابطلوا الحدود و شربوا الخمر و استأثروا فی اموال الفقراء و المساکین و انا اولی من قام بنصره دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبيله لتکون کلمه الله هی العليا». در این سخنان امام (ع) پیروی مردم از شیطان و بی توجهی آنان به اطاعت خدای رحمان و فساد آشکار آنان در روی زمین و تعطیل شدن حدود الهی و شیوع گناه در جامعه و تزییع حق فقیران و محرومان را به عنوان اموری غیرقابل تحمل می شمارد که همه مؤمنان موظفند در برابر آن قیام کنند و خود از همه به این قیام سزاوارتر است، قیام برای از بین بردن موانع، پیاده شدن دین خدا و عزیز شدن شرع مقدس و

در نهایت جهاد و مبارزه برای اعلاى کلمه حق. بدین سان امام (ع) و یاران او با کمال شجاعت و عزت مندی و آزادگی و استقامت و فداکاری در دفاعی مقدس از مرزهای قرآن با ایمانی ژرف و حماسه آفرین هایی شگرف، به آستان شهادت سر نهادند و در راه بقای دین خدا جان دادند و تجلی آیین محمدی را جاودان ساختند. بدین گونه عاشورا مدال بزرگ افتخار است که تاریخ آن را به سینه قرآن و اسلام آویخته است و مشعل جاوید هدایت است که امام حسین (ع) و یارانش بر سر راه فرزندان عزت خواه اسلام قرار داده اند. و درسی است به همه بشریت در جهت تبیین چگونه زیستن و چگونه مردن.

منشأ عزت

حال این سؤال مطرح می شود که منشأ عزت کجاست؟ اگر چه در ضمن مطالب گذشته به طور اجمال پاسخ این مسئله روشن شد، ولی با توجه به اهمیت آن به صورت جداگانه و تفصیلی تر به آن می پردازیم. همه مخلوقات به حکم محدودیت و فقر و نیازمندی ذاتی شان قابل نفوذ و شکستند و تنها ذات قادر مطلق و نامحدود الهی است که غیر قابل نفوذ و شکست ناپذیر است و نسبت به مخلوقات او خالق و مالک حقیقی هر خلق و امری است. صاحب و مالک مطلق عزت است. به هر نحو که اراده کند در عالم تصرف می کند و تشریفش به هر شکل که باشد پسندیده است، چون او رب عزت است: (وسبحان ربك رب العزه لما یصفون). قرآن کریم همه عزت را منحصرأ از آن خدا می داند: (فان العزه لله جمیعا) زیرا همه به او نیازمندند و او از همه بی نیاز: (یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله هو الغنی الحمید). از

همین روی در سوره آل عمران آیه ۲۶ می خوانیم: (قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعزمن تشاء تدل من تشاء بیدک الخیرانک علی کل شیئی قدیر)؛ بگو، بارالها! مالک حکومت ها تویی، به هر کس بخواهی حکومت می بخشی و تو از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری و هر کس را تو بخواهی عزت می دهی و هر که را بخواهی خوار می کنی تمام خوبی ها به دست توست، تو بر هر چیزی قادری». بنابراین، منشأ عزت خداست و معز ذات پاک و قادر اوست و تنها دوستان او با عنایت او عزیز می شوند. مفسر معروف طبرسی در «مجمع البیان» در شأن نزول آیه فوق می نویسد: هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به اتفاق مسلمانان مشغول حفر خندق در اطراف مدینه بود و با نظم خاصی مسلمانان، گروه گروه با سرعت و جدیت مشغول حفر خندق بودند تا پیش از رسیدن سپاه دشمن، این وسیله دفاعی، تکمیل گردد. ناگهان در میان خندق سنگ سفید بزرگ و سختی پیدا شد که مسلمانان از شکستن و حرکت دادن آن عاجز ماندند «سلمان» به حضور پیامبر (ص) رسید و جریان را عرض کرد. پیامبر وارد خندق شد و کلنگی را از یکی از مسلمانان گرفت و محکم بر روی سنگ فرود آورد، از برخورد سنگ جرقه ای جستن کرد. پیامبر (ص) تکبیر فتح و پیروزی گفت مسلمانان نیز با او هم صدا شده و آهنگ تکبیر در همه جا پیچید، بار دیگر پیامبر کلنگ را بر سر سنگ فرود آورد، مجدداً جرقه ای جستن کرد و قسمتی از سنگ شکست و صدای تکبیر و پیروزی پیامبر و مسلمانان فضای اطراف

را پر کرد. برای سومین بار کلنگ را بلند کرد و بر بقیه سنگ محکم کوبید، مجدداً از برخورد کلنگ با سنگ جرقه ای جستن نمود و اطراف خود را روشن ساخت و بقیه سنگ را در هم گسست و برای سومین بار صدای تکبیر در خندق پیچید، مسلمانان عرض کردند: امروز وضع عجیبی از شما مشاهده کردیم، پیامبر (ص) فرمود: «در میان جرقه ای اول که جستن کرد، کاخ های حیره و مدائن را دیدم و برادرم جبرئیل به من بشارت داد که آن ها در زیر پرچم اسلام قرار خواهند گرفت. در درون جرقه دوم کاخ های روم را دیدم و هم او به من خبر داد که آن ها در اختیار پیروانم قرارخواهد گرفت. در سومین جرقه کاخ های صنعا و سرزمین یمن را دیدم و او به من بشارت داد که مسلمانان بر آن پیروز می شوند و من در آن حال، تکبیر پیروزی گفتم. ای مسلمانان به شما مژده باد» مسلمانان راستین از خوشحالی در پوست نمی گنجیدند و خدا را شکر می کردند، اما منافقان چهره در هم کشیده با ناراحتی و به صورت اعتراض گفتند: چه آرزوی باطل و چه وعده محالی؟! در حالی که این ها از ترس جان خود حالت دفاعی به خویش گرفته اند و مشغول حفر خندق هستند و با آن دشمن محدود یارای جنگ ندارند خیال فتح کشورهای بزرگ جهان را در سر می پرورانند. در این موقع آیه فوق نازل شد و به منافقان پاسخ گفت، چون همه خیرها و قدرت ها در دست خداست، او هر کس را بخواهد بر تخت عزت می نشاند و هر کس را اراده کند بر خاک مذلت قرار می دهد. بدهی است که منظور از

اراده و مشیت الهی این است که خدا از روی حکمت و مراعات نظام و مصلحت و حکمت جهان آفرینش و عالم انسانیت و با سعی و کوشش و تلاش انسان عزت می دهد. در این جریان دو نوع موضع گیری صورت گرفت: ۱. موضع مؤمنان صادق بدین سان کسانی که وعده الهی را قبول و به وعده او اعتماد داشتند شادمان شدند. ۲. موضع گیری کسانی که به وعده های الهی اعتقادی نداشتند و عزت را با مال و ثروت و داشتن افراد و جمعیت می دانستند و برای به دست آوردن آن به هر حيله ای دست می زدند و عشق به دنیا آنان را کور و کر ساخته بود و نمی توانستند حقایق آسمانی را درک نمایند. این ها دو جریان متخاصمی بودند که در طول تاریخ وجود داشتند، در مکه وجود داشتند و در مدینه هم حضور پیدا کرده بودند. سرانجام در کربلا به مصاف هم آمدند و به فرموده امام حسین (ع) به عنوام دو جرین متخاصم روز قیام در محضر خدا حاضر خواهند شد؛ یعنی دو جریان حزب اموی و حزب علوی و معنای جمله «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» چیزی جز این نیست. بدین سان معلوم شد منشأ عزت خداست و هر کس راه رسیدن به عزت در دو جهان را طالب باشد باید حسینی باشد و همه زندگی اش را در اطاعت عزیز مطلق سپری کند. و عباس گونه در گودال عشق جان دهد و بمیرد: وقت آن آمد که من عریان شوم جسم بگذارم سراسر جان شوم آزمودم مرگ من در زندگی است چون رهم زین زندگی پایندگی است امام حسین (ع) در آخرین لحظه های عمرش در پاسخ یکی از یارانش که درخواست نصیحت

داشت، فرمود: هر گاه بخواهی بدون داشتن قبیله عزیز باشی و بدون حکومت هیبت داشته باشی از سایه ذلت معصیت خدا به درآ، و در پناه عزت اطاعت او قرار گیر.

عوامل عزت آفرین

اشاره

قرآن کریم بعد از بیان منشأ عزت و بیان این که همه عزت ها بالاصاله از آن خداست، عوامل عزت آفرین را در سخنان پاکیزه و عمل صالح معرفی می نماید. مفسران «کلمه طیبه» را به اعتقادهای صحیح نسبت به مبدأ و معاد تفسیر کرده اند. آری، عقیده پاک انسان را به سوی خدا بالا می برد تا در جوار قرب حق قرار گیرد و غرق در عزت خداوند شود، زیرا بدیهی است که عقاید زیر بنای همه فعالیت های انسان را تشکیل می دهد و تلاش های عملی او از مبانی فکری سرچشمه می گیرد و به تعبیر دیگر، اعمال انسان نمود و تبلوری از عقاید و اندیشه های اوست. به همین دلیل تمام انبیای الهی قبل از هر چیز به اصلاح مبانی فکری و عقیدتی امت ها می پرداختند، مخصوصاً با شرک که سرچشمه انواع رذایل و بدبختی ها و پراکندگی ها است به مبارزه برمی خاستند. حال اگر عقاید طیب شد؛ یعنی توحیدی شد و ایمان به خدا و صفات او و ایمان به قیامت و حساب و جزا و کتاب های آسمانی و الگو بودن اولیای الهی و اوصیای آنان مسلم شد، رسیدن به عزت امری قطعی است. در صورتی که میدان دادن به اندیشه های اومانیستی انسان را در چنبره طبیعت و مادیت محبوس و محدود می کند. این اندیشه که زیربنای اندیشه مدرنیسم **modernism** و پست مدرنیسم **postmodernism** است و با اندیشه خدامحوری و ایمان به خدا در تضاد است و هیچ گاه صاحب خود را از زندان طبیعت

و امیال پست حیوانی رها نمی کند. عامل دوم عمل صالح است. تعبیری وسیع و پر محتوا که شامل عبادات، انفاق، جهاد و هر کار شایسته ای می شود که وسیله تکامل و رسیدن به مقام قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه ها می باشد. اینک به توضیح بیشتری در مورد این دو عامل عزت آفرین می پردازیم:

ایمان (کلمه طیب)

قرآن کریم کفر، شرک، ارتداد و تحریف دین خدا را از عواملی که ذلت دنیا و آخرت را در پی دارد معرفی نموده و ضمن سرزنش منافقان که خود را عزیز و مؤمنان را ذلیل می پنداشتند، می فرماید: (ولله العزه ولرسوله وللمؤمنین)؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است. در حدیثی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق می خوانیم: «فالمؤمن یكون عزیزاً و لا یكون ذلیلاً... المؤمن اعز من الجبل ان الجبل یستقل منه بالمعاول و المؤمن لا یستقل من دینه شیء؛ مؤمن عزیز است و ذلیل نخواهد شد، مؤمن از کوه محکم تر و پرصلابت تر است، چرا که کوه را با کلنگ ها ممکن است سوراخ کرد، ولی چیزی از دین مؤمن هرگز کنده نمی شود. آری، مؤمن با همه طاغوت ها به مبارزه برمی خیزد و با جهل و خرافات و شرک و عوام زدگی به مبارزه برمی خیزد و از هیچ کس وحشتی به دل راه نمی دهد، زیرا قلبش از عشق به خدا پر است و تکیه و توکلش بر ذات پاک اوست، چون خدا را می شناسد و آگاهانه به او عشق می ورزد. آری، ایمان شهادتی می آفریند و انسان با ایمان شکست ناپذیر است. در حدیثی از امام صادق نیز می خوانیم: «مؤمن از قطعات آهن و فولاد محکم تر است، چرا که آهن و فولاد هنگامی که در داخل آتش شود تغییر می یابد، ولی

مؤمن اگر کشته و سپس زنده گردد و باز هم کشته شود، قلبش تغییر نمی کند.» از سوی دیگر، چون عزت مؤمن خدادادی است و در واقع حق خداست؛ مؤمن حق ندارد آن را به هیچ قیمتی از دست بدهد به همین دلیل اما صادق (ع) می فرماید: «ان تبارک تعالی فوّض الی المؤمن امورہ کلہا و لم یفوض الیہ ان یذل نفسہ...». خداوند همه کارهای مؤمن را به او واگذار کرده، جز این که به او اجازه نداده است که خود را ذلیل و خوار کند مگر نمی بینی خداوند در این باره فرمود: عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است سزاوار است مؤمن همیشه عزیز باشد و ذلیل نباشد.

عمل صالح

عمل صالح، میوه درخت ایمان است. زیرا هنگامی که چراغ ایمان در قلب انسان روشن شود، نور آن از اعضا و جوارح او منعکس می شود و در اندیشه و کردار انسان به صورت اخلاق عالی انسانی، تقوا و پاکی و احسان و شجاعت و ایثار تجلی می کند. به همین دلیل در آیات قرآن غالباً عمل صالح همراه ایمان به عنوان دو امر تفکیک ناپذیر از یکدیگر آمده است، زیرا عمل صالح جز با داغ بلند در دل داشتن میسر نمی شود و داغ بلند چیزی جز عشق به خدا نیست و راهی برای رسیدن به قله های کمال و عزت حقیقی جز داغ بلند ایمان به خدا وجود ندارد. داغ بلند طلب ای هوشمند تا شوی از داغ بلند در این صورت است که همه اعمالش صبغه الهی و معنوی دارد و با اندیشه ای مثبت به حوادث می نگرد و با بندگان خدا با تغافل و سعه صدر رفتار می نماید. از امام

باقر (ع) نقل شده است که خداوند در مقابل سه عمل بر عزت انسان مسلمان می افزاید: ۱ در گذشتن از کسی که نسبت به او ظلمی روا داشته است؛ ۲ بخشش به کسی که او را محروم کرده؛ ۳ برقراری پیوند با کسی که رابطه اش را با او قطع کرده است. آری، عمل صالح انسان را عزیز می کند و همچون نیروی عظیم مغناطیس رباینده دل هاست و عمل صالح که در زبان دین از آن تعبیری به خطا و گناه می شود، لباس ذلت بر اندام انسان می پوشاند. امام سجاد در مناجات تائبین می فرماید: «الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی و جللنی التباعد منک لباس مسکنتی و امات قلبی عظیم جنایتی؛ خدایا خطا و گناهان، لباس خواری و ذلت بر من پوشانیده و دوری تو جامه عجز و بی نوایی بر تنم انداخته و جنایت بزرگ (هوای نفس پرستی) مرا دل مرده ساخته است». از مجموع مطالب قبل نتیجه می گیریم ایمان و عمل صالح دو عامل عزت آفرینند و این دو عامل شامل همه خوبی ها می شوند. از همین روی در روایات انسان های عزت مدار کسانی معرفی شده اند که منصف، حق محور، اهل گذشت و عفو، فروتن و متواضع و در برابر ناملایمات صبور و شجاع باشند.

موانع عزت

انسان در حقیقت شگفت انگیزترین پدیده عالم هستی و شریف ترین مخلوق خدا و معلم و مسجود ملائکه الله است. او که از عزت و عظمت ذاتی برخوردار است باید با تمام وجود تلاش کند با تحصیل اعتقاد درست و انجام عمل صالح موانعی که بر سر راه رسیدن او به خدا وجود دارد را کنار بزند و به عزت کامل دست یابد. قرآن کریم از طاغوت اعم از هوای نفس شیطان و حاکمان

ستمگر به عنوان موانع رسیدن انسان به خدا یاد می کند و لزوم جهاد با آنان و مبارزه را گوشزد می نماید و ترک آن را موجب از بین رفتن عزت دنیا و آخرت می شمارد و بشارت را برای کسانی می داند که از طاغوت اجتناب ورزند و به سوی خدا روی آورند: (والذین اجتنبوا الطاغوت و انا بوالی الله لهم البشری). پیروی از هوای نفس و تن دادن به خواسته های پست حیوانی و نیز گوش دادن به وسوسه های شیطان و گول خوردن از فریب کاری های او و یا تن دادن به زورگوی های ستمگران یقیناً ذلت را به همراه دارد و مبارزه با آن ها و جهاد، عزت را در پی دارد. از همین روی در حدیث پرمعنایی از رسول خدا (ص) می خوانیم: «من ترك الجهد البسه الله ذلّافی نفسه و فقرأ فی معیشته و محقأ فی دینه؛ کسی که جهاد را ترک کند، خداوند لباس ذلت بر او می پوشاند و در زندگی مادی نیز گرفتار فقر و تنگ دستی می شود و دین او بر باد می رود». و یا علی (ع) می فرماید: خداوند جهاد را واجب کرده است تا مایه عزت اسلام باشد و نیز می فرماید: «جهاد دری از درهای بهشت است که خدا تنها بر روی دوستان خویش گشوده است، پس کسی که آن را از روی میل و خواسته خودش ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر اندام او می پوشاند». سپس امام (ع) با تأکید بر مبارزه با دشمنان کافر و ستمگر به عنوان یک قانون کلی برای همه ملت ها می فرماید: «ماغزی قوم فی عقر دارهم الا- وقد ذلّوا» هیچ قوم و ملتی در درون خانه ها مورد هجوم دشمن واقع نشدند، مگر این که ذلیل شدند.

عزت هدیه ای الهی است که از راه عبودیت و بندگی خدا به دست می آید و اصولاً عزت در بندگی خداست. به همین دلیل علی (ع) نهایت عزت خود را در بندگی خدا می شمارد: «الهی کفی بی عزاً ان اکون لک عبدا» و یا در نامه اش به مالک اشتر امارت امیرالمؤمنین بودن را ناشی از عبدالله و بنده خدا بودن می داند، لذا می نویسد: «من عبدالله امیرالمؤمنین». به همین دلیل مؤمن نسبت به بندگان خدا نهایت تواضع و فروتنی را دارد و هیچ گاه دچار کبر و خود بزرگ بینی نمی شود، زیرا تکبر آسیب عزت است. از همین رو، امام سجاد (ع) از خدای سبحان می خواهد که خدایا مرا عزیز کن و بلافاصله می افزاید: خدایا مرا مبتلا به کبر نکن: «واعزنی ولا تبتلنی بالكبر» و یا می فرماید: خدایا مرا درجه ای در نزد مردم بالا مبر، مگر این که در پیش نفسم مرا همان اندازه پایین بیاوری. سرّ این مطلب این است که کبر قرقگاه الهی است، علی (ع) در خطبه قاصعه می فرماید: «الحمد لله الذی لبس العزّ و الکبریا وجعلهما حرما لذاته». به همین دلیل امام سجاد (ع) با همه عظمت علمی، اخلاقی، معنوی و خانوادگی می فرماید: «انا بعد اقل - الاقلین و اذل و مثل الدرّه اودونها، اعزّنی عند خلقک وضعّنی اذا خلوت بک». ای خداوند، من کمترین کمترانم و خوارترین خوارترانم، همانند ذره ای یا حتی کمتر از آن. بار خدایا مرا در نزد بندگان عزیز دار و مرا در برابر خود ذلیل گردان. بنابراین این باید سر را بالا گرفت و چشم به مالک عزت دوخت و در تمام حالات از او درخواست عزت کرد و با تکیه بر او نباید گذاشت دیگران در او نفوذ نمایند

و در او اثر منفی بگذارند، اما خودش باید متیّت دروغین خود را بشکند و بداند که از بزرگ ترین آسیب های عزت تکبر است و باید از آن بر حذر بود. در پایان برای بیان اهمیت عزت و این که عزت تنها از آن خداست و راه رسیدن به آن راه اولیای الهی است روایتی را که به صورت گوناگون از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده می آوریم: کسی که می خواهد در روز قیامت اجر و پاداش او را با پیمانۀ بزرگ و کامل داده شود باید آخرین سخنش در هر مجلسی که می نشیند این باشد: «سبحان ربّك ربّ العزّه عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین».

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

